

A Study of the Symbolic Motif “Div” or Demon in Sani al-Mulk’s Illustrations of the Book of *One Thousand and One Nights* Manuscript of Golestan Palace Library*


Abstract

Legends have been included and decorated with various images, since long ago. These images have both decorative and narrative aspects. Understanding the components and their relationships in images to understand the structure is one of the ways to obtain meaning. Repetition of symbolic elements from very distant times to recent times requires an explanation of how it was formed. The iconography method in the interpretation of works of art tries to show the connection between the image and the text after the detailed description of the image with a comparative method and to analyze the meaning of these images by revealing the repeated structural pattern in different cultures. "Demons" are beings with surreal characteristics, whose unique characteristics and powers have made them special in Persian legends, literary works, paintings, and illustrations. Their abilities and their powers such as: flying, turning into a human or a bird, the ability to change shape, etc. The book *One Thousand and One Nights* by Abdul Latif Tasuji or "Thousand Tales" is originally one of the old Pahlavi texts, which was translated into Arabic after Islam and by adding legends to it, it became known as "Alf Laila and Laila" or "Arabian Nights". This book is illustrated by Abul Hasan Ghafari who is often known as Sani al-Mulk. Indeed, He supervised the illustration of a famous *One Thousand and One Nights* manuscript, which can be viewed today in Tehran in the Golestan Palace Library. Common to all the editions of the Nights is the framing device of the story of the ruler Shahryar being narrated the tales by his wife Scheherazade, with one tale told over each night of storytelling. This book includes various symbolic features in the context of legendary narratives both in the narrative and in the illustrations presented. The following research, using the iconography method in descriptive-analytical research, investigates the visual and surreal characteristics of the “Div”-demons- in the legends of *One Thousand and One Nights* and the degree of fidelity of the illustrator of the book (Sani al-Mulk) to the text. In this regard, after identifying the visual and surreal characteristics of demons in pictorial and fictional examples, we will compare and classify them; Then we try to investigate the expressive relationship between the supernatural characteristics of “Div”-demons- and the behavioral characteristics of demons in the framework of the theoretical foundations of the research. Also, we intend to evaluate (positive and negative) legendary creatures like demons

Received: 9 Jan 2024

Received in revised form: 14 May 2024

Accepted: 9 Nov 2024

Arefe Sarami¹  (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Research in Art History, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: a.sarami@modares.ac.ir

Shamim Vakili² 

Master of Illustration, Department of Art, Allameh Feizul-Islam University, Iran. E-mail: Shamim.vakili69@gmail.com

Doi: <https://doi.org/10.22059/jfava.2024.370750.667233>

based on their symbolic identification by referring to visual and verbal evidence. The results of this research show that demons, giants, monsters, goblins, and fairies are all considered to be from the same family, and their positions change according to different situations. The appearance of these creatures does not have the same characteristics in any narrative; These legendary creatures have the ability to change their faces, and the interesting thing is that none of the available evidence indicates the completely negative characteristics of these creatures..

Keyword

Div (Demon), Fairy and Monster, The Book of *One Thousand and One Nights*, Illustration, Iconography, Symbolic Study

Citation: Sarami, Arefe; Vakili, Shamim (2024). A study of the symbolic motif “Div” or demon in Sani al-Mulk’s illustrations of the book of *One Thousand and One Nights* manuscript of Golestan Palace Library, *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 29(4), 49-62. (in Persian)



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press

*This article is extracted from the second author’s master thesis, entitled: “An iconographic study of the motif of ‘demon’ in the manuscript of *One Thousand and One Night*” under the supervision of the first author at the University of Allameh Feizul-Islam.

نمادشناسی نقش‌مایه «دیو» در نگاره‌های صنایع‌الملک از نسخه خطی هزار و یک شب کاخ گلستان*

چکیده

کتاب هزار و یک‌شب عبداللطیف طسوجی یا هزار افسان از متون کهن پهلوی است که پس از اسلام به عربی ترجمه و با افزودن افسانه‌هایی به آن، با نام عربی الف لیلة و لیلة شناخته شد. این کتاب توسط ابوالحسن غفاری ملقب به (صنایع‌الملک) تصویرگری شده است. کتاب هم در روایت داستانی و هم در تصویرگری‌ها دربرگیرنده ویژگی‌های نمادین در بافت روایت‌هاست. پژوهش پیش‌رو با کاربست روش آیکونوگرافی در یک تحقیق

توصیفی-تحلیلی به بررسی ویژگی‌های ظاهری و فراواقعی دیوها در داستان‌های هزار و یک‌شب و میزان وفاداری تصویرگر کتاب به متن می‌پردازد. در این راستا پس از شناسایی ویژگی‌های ظاهری و فراواقعی دیوها در نمونه‌های تصویری و داستانی به تطبیق و دسته‌بندی آن‌ها خواهیم پرداخت؛ سپس ارتباط بیانی میان ویژگی‌های فراواقعی دیوها و خصوصیات رفتاری دیوها را در چهارچوب مبانی نظری تحقیق بررسی کنیم. هم‌چنین برآنیم تا با استناد به شواهد تصویری و کلامی به ارزش‌گذاری (مثبت و منفی) دیو بر اساس شناسایی نمادین آن‌ها بپردازیم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دیو، غول، عفريت و اجنه و پریان همه از یک خانواده محسوب می‌شوند و بنا بر موقعیت‌های مختلف جایگاه آن‌ها تغییر می‌کند. ظاهر این موجودات در هیچ روایتی ویژگی‌های یکسان ندارد؛ این موجودات افسانه‌ای قابلیت تغییر چهره دارند.

واژه‌های کلیدی

دیو (غول)، عفريت، کتاب هزار و یک شب (الف لیلة و لیلة)، تصویرسازی، آیکون نگاری (آیکونوگرافی)، نمادشناسی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹

عارفه صرامی^۱ (نویسنده مسئول): استادیار پژوهش هنر، گروه پژوهش و تاریخ هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

E-mail: a.sarami@modares.ac.ir

شمیم وکیلی^۲: کارشناس ارشد تصویرسازی، گروه هنر، دانشگاه علامه فیض الاسلام

اصفهان، اصفهان، ایران. E-mail: Shamim.vakili69@gmail.com

Doi: <https://doi.org/10.22059/jfava.2024.370750.667233>

استناد: صرامی، عارفه؛ وکیلی، شمیم (۱۴۰۳)، نمادشناسی نقش‌مایه «دیو» در نگاره‌های صنایع‌الملک از نسخه خطی هزار و یک شب کاخ گلستان، نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، ۲۹(۴)، ۴۹-۶۲.

مقدمه

پی‌گیری پژوهش‌های قابل ملاحظه‌ای در منابع دست اول و منابع زبانی و یا ارجاعات موردی به منابع دست دوم و موثق را در بر می‌گیرد. اروین پانوفسکی^۱ تأثیرگذارترین مورخ هنر در قرن بیستم است که توانست این روش را در قالب روشی سه‌گانه در آورد. مطابق با آن چه در این ساختار سه بخشی در تحلیل اثر هنری آمده؛ سطح اول شامل شناخت فرم‌های اولیه و نواب است که معنای اولیه نامیده می‌شود. سطح دوم یا معنای ثانویه که نقش‌مایه‌های هنری را با متون و مفاهیم پیوند می‌دهد و در سطح سوم که به تفسیر ارزش‌های نمادین پرداخته می‌شود، معنای واقعی یا محتوایی نام دارد. اهمیت محتوایی اثر هنری در نتیجه‌ی پژوهش پانوفسکی به همان میزانی است که به کیفیت فرمی آن پرداخته شده است. این ویژگی، او را برای گسترش نظریه‌ی خود بر پایه‌ی کیفیات فرمی ذاتی اثر هنری که در آن قواعدی نظام‌مند پیوند دهنده فرم و محتوا هستند، هدایت کرد (صرامی، ۱۳۹۳، ۱۰-۱۲).

آیکون‌نگاری (آیکونوگرافی) و آیکون‌شناسی (آیکونولوژی) روش‌هایی هستند که امروزه در تاریخ هنر به ابعاد گسترده معنایی آثار هنری می‌پردازند. این دو گرچه از لحاظ نظری تفاوت‌هایی باهم دارند اما در اجرای پژوهش درباره معنای اثر هنری اغلب باهم تلاقی می‌کنند و نمی‌توان مرز مشخصی برای آن‌ها قائل شد. نگاره‌ها سوای باز نمود افراد، حالت‌ها، رویدادها، نمادها و تمثیل‌های بسیار کهن را با خود حمل می‌کنند که برای فهم معنایی آن‌ها نیاز به شناخت تاریخ فرهنگی و فرهنگ داریم. آیکون‌نگاری از آغاز قرن بیستم این وظیفه علمی را در حوزه تاریخ هنر بر عهده گرفته است تا با استناد به منابع نوشتاری موضوع بازنمایی شده در آثار هنری را شناسایی و تحلیل کند (مختاریان و صرامی، ۱۳۹۵، ۵۴).

پانوفسکی، در ارائه تفسیر آیکون‌شناسی خود، برای رسیدن به معنای محتوایی-تاریخی تصویر ساختار سه تایی و سلسله‌مراتبی را به کار گرفته بود: «در مرتبه اول، تجربه عملی (شناخت رویدادها و ابژه‌ها)، در مرتبه دوم تشخیص تفاوت‌های بیانی و کشف موضوع یا مضمون تصویر و در نهایت شناخت گرایش‌ها و تمایلات ذهن انسان قرار داشت» (مختاریان و صرامی، ۱۳۹۵، ۵۴؛ Hart, 1993, 534-535).

در این پژوهش در راستای نمادشناسی نقش‌مایه دیو در نگاره‌های نسخه خطی هزار و یک شب کتابخانه گلستان کوشیده می‌شود؛ که با به کارگیری روش آیکونوگرافی در تحلیل محتوای اثر هنری، گامی به درک و تفسیر اثر هنری - تجسمی نزدیک شویم. شایان ذکر است که ماهیت این روش در تحقیقات کیفی، توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری داده‌های این پژوهش روش کتابخانه‌ای است. داده‌های تصویری مورد پژوهش این مقاله نیز از تصاویر نسخه هزار و یک شب در آرشیو کتابخانه گلستان انتخاب شده است.

پیشینه پژوهش

آنچه مسلم است، تکرار بن‌مایه‌های مشابه در ادبیات عامیانه با به کارگیری عناصر و نقش‌مایه‌های مشابه با هدفی همراه بوده است. یکی از این شخصیت‌های پرتکرار در داستان‌های عامیانه ایرانی دیو است. این موجود از دسته موجودات عجیب و غریب شامل غول، دیوان، پریان^۲، عفریت، اجنه و غیره که بر اساس خاستگاه روایت یعنی جامعه ایرانی، پس از تحولات زردشتی، مذموم معرفی شده است؛ گرچه برخی

دیو، موجود عجیب و فراواقعی است که وصف آن در بسیاری از داستان‌ها و افسانه‌ها نسل به نسل و سینه به سینه نقل شده است. داستان‌هایی که توسط نویسندگان و شعرای بزرگ ایران به رشته تحریر در آمده‌اند و در برخی مواقع، نقالان با اغراق و افزودن تخیلاتشان به آن‌ها، موجب ماندگاری آن‌ها در طول تاریخ شده‌اند در اکثر نوشته‌های تاریخی دیوها، موجوداتی درشت اندام، با شاخ‌هایی بلند و دندان‌های تیز بیرون زده از فک، و با رنگ‌های تیره توصیف شده‌اند. موجوداتی که در طی تاریخ از مقام خدایی تنزیل یافته‌اند و بعدها به شکل موجوداتی پلید درآمده‌اند. این موجودات معمولاً با چند ویژگی (کنش) تکراری توصیف می‌شوند؛ ویژگی‌هایی که ممکن است در برخی از آن‌ها مشترک نباشد. بیشترین ویژگی (کنش)‌هایی که برای این موجودات نامتعارف برشمرده‌اند عبارتند از: شکل و شمایل عجیب و ترسناک و قدرت زیاد؛ آدم‌ربایی و علاقه زیاد به خوردن خون و گوشت انسان؛ در باورهای بعضی ادیان، این موجودات در دوزخ ارواح مردگان بدکار را شکنجه می‌دهند؛ و از اشیاء جادویی و یا با ارزش نگهداری می‌کنند (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۸-۹). در حالی که در نمونه‌های ایران باستان، آفرینش دیوان و موجودات اهریمنی به وضوح آفرینش مینوی اورمزد و موجودات اهورایی، در اوستا و کتاب‌های پهلوی توصیف نشده است. از برخی از این دیوها تنها نامی باقی مانده که اطلاعات بیشتری را به همراه ندارد و تنها می‌توان گفت همان‌طور که بدی در مقابل خوبی است، اهریمن در برابر اورمزد و سپندمینو قرار می‌گیرد و برای هر کدام از امشاسپندان و ایزدان هم‌اورد یا رقیبی از قلمرو اهریمن است؛ اما با توصیفات بسیار کم و مبهم. این موجودات بد در قلمرو اهریمن خود شامل دسته‌های زیرین هستند و مانند ایزدان سلسله مراتب دارند و از نظر اهمیت و قدرت عمل در مقام‌های بالا و پایین قرار می‌گیرند. دیوان دوران مینوی شامل سردیوان که سرکردگان دیوان هستند؛ دیوان و دروجان که جلوه همه زشتی‌ها و پلیدی‌ها هستند و علاوه بر این دیوان در دوران مینوی، دیوانی که در رویدادهای زمینی نقش دارند و پری‌ها در دوران گیتی در ایران باستان قابل ذکر است (آموزگار، ۱۳۸۹، ۳۷-۴۳). در این مقاله، پس از گردآوری نتایج تحقیقات پیشین پیرامون مورد مطالعه این پژوهش، به نمادشناسی دیوها در روایت‌های هزار و یک شب می‌پردازیم. در این راستا، به طبقه‌بندی و تطبیق ویژگی‌های ظاهری و کارکرد دیوها در متن روایت‌های نسخه خطی هزار و یک شب کتابخانه گلستان، تنها نسخه خطی مصور ترجمه فارسی از کتاب *الف لیله و لیله* به زبان عربی و نگاره‌های باقی‌مانده مرتبط با این روایت‌ها پرداختیم و کوشیدیم با کاربست روش آیکونوگرافی وجه نمادین مشترک میان داستان‌ها، تمثیل‌ها و تاریخ تصاویر مرتبط را شناسایی و این شخصیت را در فرهنگ ایرانی-اسلامی نمادشناسی کنیم.

روش پژوهش

راه‌های بسیاری برای پیوند یک اثر به تاریخ وجود دارد که شامل عناصر گوناگون از دورانی است که اثر هنری در آن به وجود آمده است. یکی از این راه‌ها، تحلیل آیکونوگرافیک اثر هنری است که بر آن ادعا است تا معنای اثر هنری را در زمان خلق آن تثبیت کند. تحلیل آیکونوگرافیک همواره وابسته به گردآوردن شواهد و مدارکی است که سبب بازسازی این معانی می‌شود. به کارگیری روش آیکونوگرافی در حوزه تاریخ هنر و نمادشناسی، حاصل

(۲۷۵).

شایان ذکر است که در این پژوهش، پس از بررسی متن روایی نسخه‌های مختلف و همکاری کتابخانه ملی برای در اختیار گذاشتن تصاویر مرتبط با مورد پژوهشی این مقاله، ما به گردآوری متن بیست و دو روایت و یازده تصویر باقی مانده از صنایع الملک پرداختیم. برخی از روایت‌ها دارای متن تو در تو هستند و حتی در جریان روایت شخصیت‌های محوری با کارکرد یکسان نام متفاوتی گرفته‌اند، بنابراین در برخی از نمونه‌ها متن روایت‌ها را نمی‌توانیم تفکیک کنیم و آن‌ها را حکایت‌های جداگانه‌ای بدانیم. هم چنین برخی روایات در نسخه‌های مختلف منتشر شده از کتاب هزار و یک شب پیرنگ متفاوتی دارند و یا به صورت بخشی از روایت‌های دیگر هستند، بنابراین ما برای بررسی این روایت‌ها تنها به نسخه مرجع این مقاله^۲ استناد کرده‌ایم و کوشیدیم عنوان حکایت‌ها را از یکدیگر تفکیک نماییم تا طبقه‌بندی ویژگی‌ها در بافت‌های روایی جداگانه ساده‌تر شود. از سوی دیگر، همه حکایت‌های مرتبط با مورد پژوهش پیش‌روی، دارای تصویر نیستند. در این نمونه‌ها تنها متن روایت، توصیف کننده و بیان‌گر ویژگی‌های ظاهری و کارکرد دیوها در روایت است.

از پژوهش‌های ارائه شده پیرامون نقش نمادین دیو در متون روایی و تصاویر نمادین به جای مانده در دوره‌های مختلف و وابسته به ادبیات روایی دوره‌های مختلف می‌توان به نمونه‌های پژوهشی زیر اشاره کرد:

راشدی محصل و حسین‌زاده هروی در مقاله‌ای به بررسی شخصیت‌پردازی، توصیف زاویه دید و تصویرپردازی داستانی دیو سپید در داستان رستم و دیو سپید پرداخته‌اند. در این مقاله ضمن بررسی رویدادهایی که در طراحی ساختار داستان مؤثر است؛ به روش فردوسی در توصیف رویدادها از سه منظر توصیف به وسیله کنش‌ها، توصیف یا توضیح مستقیم، و توصیف به یاری گفت و گو میان شخصیت‌ها می‌پردازد. نتیجه حاصل از تحقیق ایشان نشان می‌دهد که رستم و دیو سپید با توجه به شخصیت‌پردازی‌ها و تصویرسازی‌های داستانی دو شخصیت اصلی در ساختار داستان هستند. این شخصیت‌ها در داستان ثابت و ایستا هستند و الگوی شخصیتی یکسانی دارند. در این داستان‌ها بسیاری از ویژگی‌ها از طریق گفت و گو میان شخصیت‌های اصلی آشکار می‌شود. این توصیفات شامل توصیفات رایج شاعر درباره ویژگی‌های ظاهری دیو سپید، غارهای تاریک، چگونگی مواجهه رستم و دیو سپید بوده است. توصیف به وسیله کنش‌ها شامل صحنه آماده شدن رستم برای جنگ با دیو سپید، آمدن دیو سپید به سوی رستم و نبرد رستم و دیو سپید است. هم چنین، توصیف به واسطه گفت و گو شامل حدیث نفس دیو سپید و حدیث نفس رستم است. برای نمونه فردوسی در این تمثیل شخصیت دیو سپید را این گونه توصیف کرده است (راشدی محصل و حسین‌زاده هروی، ۱۳۹۲، ۱۲۱-۱۳۸)؛

سوی رستم آمد چو کوهی سیاه از آهنش ساعد وز آهن کلاه

(فردوسی، ۱۳۸۶، بیت ۵۷۰)

در مقاله دیگری با محوریت نقش مایه دیو سپید در شاهنامه، نویسندگان به بررسی سیر تحول نگاره دیو سپید و رستم در رابطه با مکاتب نگارگری ایرانی پرداخته‌اند و این نگاره از شاهنامه در دوران مختلف رانماینده سبک دوران دانسته‌اند. این مقاله با بررسی تفاوت‌های سبک نگارگری در مکتب هرات، شیراز، تبریز و اصفهان به ویژگی‌های ظاهری دیو سپید در این چهار مکتب پرداخته است. برپایه این پژوهش گرچه ویژگی‌های زیادی از

جنبه‌های مثبت آن‌ها که متعلق به جامعه هند و ایرانی است، در بخشی از ادبیات عامیانه حفظ شده است. در این بخش می‌کوشیم ضمن مرور تاریخچه کتاب هزار و یک شب، به بررسی نتایج پژوهش‌های پیشین درباره ویژگی‌های ظاهری و کارکرد موجودات عجیب و غریب، به ویژه دیوها، در تصویرسازی‌های کلامی و نگاره‌های بصری بپردازیم.

مبانی نظری پژوهش

نسخه خطی هزار و یک شب کتابخانه گلستان

نسخه خطی هزار و یک شب کتابخانه گلستان، تنها نسخه خطی مصور ترجمه فارسی کتاب *الف لیلة و لیلة* به زبان عربی است. این نسخه از کتاب هزار و یک شب پرنگاره‌ترین نسخه خطی فارسی به‌شمار می‌رود. این نسخه دارای ۳۶۵۵ نگاره به صورت ۱۱۳۶ برگ دورو است و آخرین نسخه مصور خطی تولیدشده در دربارهای ایران است (بودری، ۱۳۹۳، ۹۰). در ایران نخستین بار، کتاب هزار و یک شب به فرمان بهمن میرزا، حاکم آذربایجان و فرزند چهارم عباس میرزا (۱۲۲۵-۱۳۰۱ ه.ق.) (بامداد، ۱۳۴۷-۱۳۵۱، ج. ۱، ۱۹۵-۱۹۸)، توسط میرزا عبدالطیف طسوجی تبریزی (۱۲۹۷ ه.ق.) از نسخه عربی بولاق مصر (منتشرشده در سال ۱۲۵۱ ه.ق./۱۸۳۵ م.) به فارسی برگردانده شد (همان، ج. ۲، ۲۷۶). بنا بر مقدمه نسخه کتاب هزار و یک شب (۱۲۶۱)، میرزا محمدعلی اصفهانی (۱۲۲۸-۱۲۸۵ ه.ق.) ملقب به شمس الشعرا (متخلص به سروش) متناسب با متن، سروده‌های خود یا شاعران نامدار را به کتاب افزود. این ترجمه بین سال‌های ۱۲۵۹-۱۲۶۰ ه.ق. آماده و در سال ۱۲۶۱ ه.ق. (۱۸۴۵ م.) در دو جلد، در تبریز، به شیوه چاپ سنگی منتشر شد (همان، ۹۰-۹۱).

در عهد ناصری، به فرمان ناصرالدین‌شاه، نسخه‌ای مصور از هزار و یک شب از روی ترجمه مذکور تدوین شد. این مجموعه نفیس با مباشرت حسینعلی‌خان معیرالممالک (۱۲۷۴ ه.ق.؛ بامداد، ۱۳۴۷-۱۳۵۱، ج. ۶، ۹۳-۹۴)، در مجمع‌الصنایع ناصری (یوسفی فر، ۱۳۹۰، ۴۲-۶۴) تهیه شد.

نسخه‌شناسی نسخه هزار و یک شب مجمع‌الصنایع ناصری

الف لیلة و لیلة. پایان‌تحریر: ۱۲۶۹ ه.ق. (۱۸۵۲ م.)؛ پایان مصورسازی: ۱۲۷۶ ه.ق. (۱۸۵۹ م.)؛ ۲۲۸۰ صفحه (۱۱۴۲ صفحه متن، ۱۱۳۴ صفحه تصویر، و ۴ صفحه بیاض)؛ ابعاد: ۳۰۰ × ۴۵۰ مم، ابعاد نوشتار: ۱۸۰ × ۳۲۰ مم، ۳۰ سطر؛ کاتب: محمدحسین کاتب‌السلطان تهرانی؛ نقاش: میرزا ابوالحسن خان غفاری ملقب به صنایع‌الملک (ذکا، ۱۳۸۲، ۲۰؛ ذکا، ۱۳۴۲ الف، ۱۷-۲۰؛ ذکا، ۱۳۴۲ ب، ۱۴-۲۷)؛ و شاگردانش. مذهب: غلامعلی مذهب‌باشی و میرزا احمد مذهب؛ جلدساز: میرزا جانی جلدساز؛ صحاف: میرزا یوسف صحاف؛ محل نگهداری: تهران، کاخ گلستان (بودری، ۱۳۹۳ الف، ۹۱-۹۴؛ بودری، ۱۳۹۳ ب، ۱۶۰-۲۷۵؛ هادی، ۱۳۶۶، ۱۰۳). نسخه خطی فارسی هزار و یک شب در کتابخانه کاخ گلستان با شماره ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ ثبت شده است.

در هر صفحه از این نسخه مصور از سه تا شش مجلس تصویر با تکنیک آبرنگ نقاشی و حاشیه آن تذهیب (مرصع) شده است و در مجموع بیش از ۳۶۵۵ نگاره دارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک.: بودری، ۱۳۹۳ ب، ۱۶۰-)

پسرانی بوده است و بنا بر داستان‌هایی که از عوام نقل گشته، از جمله در داستان شیرویه نامدار / شاهزاده شیرویه (احتمالاً از عصر صفوی) مادر اکوان دیو بر یکی از کسان روایت به نام سلیمان ثانی ظاهر می‌شود و می‌گوید چون جهانگیر پسر سلیمان یکی از فرزندان او را - که اصولاً باید برادر اکوان باشد- در شهر حلالیه کشته، او نیز به تلافی، دو پسر سلیمان ثانی را ربوده و نزد دیوان برده است. (سیف‌الدینی، ۱۳۸۴، ۴۰۲، ۴۱۳). در روایات شفاهی - عامیانه از داستان‌های شاهنامه، اورنگ نام برادر اکوان است که به همراه مادرش به دست رستم کشته می‌شوند و خود اکوان می‌گریزد (انجوی، ۱۳۶۹، ۱۵۷). هم‌چنین به توصیف صندلوس، پسر اکوان دیو پرداخته می‌شود: او دیوی است به رنگ صندل سفید که به زردی می‌زند و هشتاد ارش بالا دارد و سرش مثل سر گاو است و دو شاخ عظیم دارد هر شاخی تاده گز بر کله دارد. پاهای او مثل پای پیل است و دست‌های او مثل دست آدمی و دمی دارد مثل دم شیر اما عظیم با هیبت و با صلابت و با زور تمام که به زور چنان است که هزار سنگ را از زمین برمی‌دارد.

ذبیحی و همکاران (۱۳۹۹، ۳۵-۴۷)، در خلال ارائه یک تحلیل تطبیقی پیرامون شخصیت‌پردازی موجودات تخیلی - تلفیقی در نگاره‌های دو نسخه عصر گورکانی و عصر ایلخانی از عجایب المخلوقات قزوینی به تعداد دیوها، جن‌ها در شمار موجودات مافوق طبیعی در این دونسخه پرداخته‌اند و برخی ویژگی‌های ظاهری آن‌ها را برشمردند.

پیدا است که پژوهشگران پیشین برای تحقیق پیرامون موجودات مافوق طبیعی از جمله دیوها اغلب به رایج‌ترین منبع پژوهش‌های افسانه‌ای و اسطوره‌ای، شاهنامه فردوسی، و شخصیت‌های مافوق طبیعی همانند دیو سپید، اکوان دیو در آن کتاب پرداخته‌اند، هم‌چنان که ما نیز برای ادامه این سیر پژوهشی و یافتن بن‌مایه‌های اساسی این نقش‌نمادین از شاهد آوردن از این متن ادبی بسیار غنی، شاهنامه فردوسی، بهره‌مند بوده‌ایم؛ اما موضوع این پژوهش خاصه، نمادشناسی نقش‌نمادین دیو در تنها نسخه مصور از هزار و یک شب کتابخانه کاخ گلستان و پرداختن به ویژگی‌های این نماد در متن روایی و تصاویر نمادین هموند با همان متن روایی - اسطوره‌ای و فرهنگ کهن است تا سیر تحول و جایگاه الگوهای نمادین در دوره‌های بعد نیز آشکار گردد.

بررسی ویژگی‌های ظاهری و رفتاری دیوها در روایت‌های هزار و یک شب

در این پژوهش ما به گردآوری متن بیست و دو روایت نسخه هزار و یک شب و یازده تصویر باقی مانده از صنایع الملک با محوریت نقش‌نمادین دیو/ عفريت پرداختیم. برخی از روایت‌ها دارای متن تو در تو هستند و حتی در جریان روایت شخصیت‌های محوری با کارکرد یکسان نام متفاوتی گرفته‌اند، بنابراین در برخی از نمونه‌ها متن روایت‌ها را نمی‌توانیم تفکیک کنیم و آن‌ها را حکایت‌های جداگانه‌ای بدانیم. هم‌چنین برخی روایات در نسخه‌های مختلف از کتاب هزار و یک شب پیرنگ متفاوتی دارند و یا به صورت بخشی از روایت‌های دیگری هستند، بنابراین ما برای بررسی این روایت‌ها تنها به نسخه مرجع این پایان‌نامه استناد کردیم و کوشیدیم عنوان حکایت‌ها را از یکدیگر تفکیک نماییم تا طبقه‌بندی ویژگی‌ها در بافت‌های روایی جداگانه ساده‌تر شود. از سوی دیگر همه حکایت‌ها دارای تصویر نیستند، در این نمونه‌ها تنها متن روایت، بیان‌کننده ویژگی‌های

این نگاره‌ها مقید به ویژگی‌های مکتب یا سبک اثر است اما شباهت‌هایی در ویژگی‌های ظاهری با سایر نمونه‌های تصویری وجود دارد؛ از جمله: دیو با چهره تیره و سر بی‌مو و شاخ دار. هم‌چنین از دید پژوهشگر در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی (مکتب تبریز) در تصویرگری سپاهیان دیوها، ویژگی‌های تکراری به تصویر کشیده شده که شامل: رنگ تیره بدن، شاخ، (نیمه) برهنه بودن و اندام نامتعارف است (شاطری و اعراب، ۱۳۹۴، ۱۵-۲۶). در مقاله‌ای با عنوان تحلیل کیفی بصری دو پرده روایی عصر قاجار، پژوهشگر ابتدا ضمن نقل وقایع و معرفی شخصیت‌های موجود در افسانه هفت خان رستم و توضیحی من باب معرفی آن‌ها پرده تصویرسازی شده را از نظر ترکیب‌بندی مورد بررسی قرار داده است و بعد از آن به توصیف ویژگی‌های ظاهری دیوها پرداخته است. در هر دو صحنه، دیوهای شاخ دار و دم دار با پیکر بزرگ، ابروهای پهن، سیبیل بلند و پر پشت حالت‌دار و گوش‌های بزرگ تصویر شده‌اند. عموماً در افسانه‌های ایرانی، دیوها با پیکر بزرگ و شمایل عجیب حیوانی (ظاهری ترسناک، باطنی ساده لوح) معرفی می‌شوند (مونس سرخه و حسین‌زاده قشلاقی، ۱۳۸۹، ۱۰۰-۱۰۲). توصیف دیو سپید به نقل از فردوسی و محمد جعفر یاحقی این گونه است: «برای این که از دیو سیاه متمایز گردد، رئیس دیوان مازندران را دیو سپید خواندند. به هر حال داشتن بدن سیاه و موی سر سفید، احساس شومی بیشتری به آدمیان دست می‌دهد» (تاواری، ۱۳۹۳، ۸؛ عظیمی‌پور، ۱۳۹۲، ۶۹).

باقری و کیاده (۱۳۸۸، ۱-۸) در مقاله‌ای با عنوان اکوان دیو و «وای» اسطوره باد، به بررسی شباهت‌های ظاهری اکوان دیو و فنی لاین^۴ (خدای باد در اساطیر چین) پرداخته و معتقد است با توجه به شباهت‌های بسیار زیادی که در وصف این دو آمده، دو راوی ایرانی و چینی به شکل آشکارا از هم وام‌گیری داشته‌اند و بر این باور است که فردوسی، در داستان خود به‌طور واضح از زبان راوی چینی روایت کرده است؛

گوان خوان و اکوان دیوش مخوان ابر پهلوانی بگردان زبان

(شاهنامه فردوسی، ج. ۱، ۳۷۱)

فردوسی اکوان دیو را از نظر ظاهری، چون زرد درخشان و باطنی زشت به تصویر کشیده است. سرش که مانند ماری از پوست بیرون آمده، شبیه به سر یک پیل با موهای دراز است و دهانش پر از دندان‌هایی شبیه به دندان‌های گراز و چشمانش سپید و لبانش سیاه است. نام گوان خود ما را به یاد گوان یو خدای اساطیری جنگ چینی می‌اندازد. از طرفی تجسم فنی لاین به صورت پیرمردی با شنلی زرد رنگ ما را به یاد خدای ریش‌دار، آدو^۵ خدای باد سکایی‌ها می‌اندازد.

کریستین سن، داستان نبرد گشتاسب با آخوان^۶ سپید را در کتاب جاماسپ‌نامه متأثر از پیکار رستم با اکوان دیو و دیو سپید انگاشته است (کریستین سن، ۱۸۱۳، ۱۴۲) و بدین سان ظاهراً میان آخوان و اکوان رابطه قائل شده است، این استنباط از آنجا ناشی شده است که گویا او *خیونان*^۷ را در جاماسپ‌نامه به سهو آخوان خوانده است (اکبری مفاخر، ۱۳۸۹، ۲۴۸).

بر اساس ریشه‌شناسی در خط پهلوی، با مقایسه اکوان دیو و دیو باد در اساطیر چینی به گفته کویاجی این احتمال به وجود آمده که داستان رستم و اکوان دیو روایتی از بن‌مایه نبرد پهلوان با باد است. در روایت‌های عامیانه به روابط خانوادگی اکوان دیو اشاره شده که دارای مادر، همسر و

ظاهری و کارکرد دیوها است و در جدول نهایی (۱) به این روایت‌ها تصویر اختصاص داده نشده است. باری در این مقاله، برای خلاصه کردن نتایج به دست آمده، دستاورد مذاقه در روایت‌ها و تصاویر را به اختصار در جدول تطبیقی ارائه کردیم و فقط ویژگی‌های روایی و تصویری در دو حکایت «مکر زنان و سیف الملوک» و «بدیع الجمال تحلیل» تفصیلی نمودیم.

ریشه‌شناسی واژه دیو

«دیو عنوان گروهی از خدایان آریایی در ایران باستان بوده است که به تدریج مقام آن‌ها تنزیل یافته و به موجودات پلید اهریمنی بدل شدند و در زبان و ادب فارسی نام موجودی افسانه‌ای که به آدمیان دشمنی دارد» (رضایی باغبیدی و افشاری، ۱۳۹۲).

واژه دیو علاوه بر ایران باستان، در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌های دیگر نیز وجود داشته است. دیوها عمدتاً موجودات بزرگ و با هیبتی توصیف شده‌اند؛ اما نکته قابل توجه در تمام این متون و فرهنگ‌ها، تفاوت معنا و جایگاه دیوها است. دیو از واژه سانسکریت^۸ به معنی خدا، آمده است. اما در هند و ایران، دیو یعنی *daeva* معنی کاملاً متفاوتی دارد. در مورد اسوره (اهوره) هم همین گونه است. اگرچه در فرهنگ ایرانی، *daeva* مطرود شناخته شده است و شخصیت منفی به آن بخشیده شد، واژه *daeva* در زبان‌های اروپایی با معنی مثبت باقی مانده است. *divine* به معنی خدایی، الهی است. در فرهنگ و تمدن هند *daeva* یا *dive* با معنی خدا یا الهه برای نام‌های شخصی هم استفاده می‌شود. اما در همان کشور اسوره معنی منفی به خود گرفت و مترادف شیطان است. در ژاپن نیز برگرفته از آیین هند و بودایی، آشورا را به عنوان خدای شیطان صفت و نماد جنگ و خونریزی می‌شناسند؛ او صاحب جهانی با نام خودش است و به اعتقاد بوداییان آدم‌های مغرور و شکاک پس از مرگ، در جهان آشورا^۹ متولد می‌شوند (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۱۵۲-۱۵۳).

حضور دیوها در اوستا نیز دیده می‌شود. برخی از این دیوها دارای نام هم بوده‌اند. نام تعدادی از مهم‌ترین دیوها در اوستا عبارت است از: آزی^{۱۰}، دیو آز (بارتولومه، ستون ۳۴۳)، اپوشه^{۱۱}، دیو خشکسالی (همان ستون، ۷۲) یا ویزاتو^{۱۲} به معنای جداکننده، دیو مرگ (همان، ستون ۱۴۳۴)، بوشیانستا^{۱۳}، ماده دیو کاهلی (همان، ستون ۹۷۰)، ونسو^{۱۴} ماده دیو اجساد (همان، ستون ۱۰۵۷) (افشاری و رضایی باغبیدی، ۱۳۹۲). در متون آئین زردتشتی، هر امر بدی را به دیوی نسبت می‌دادند؛ جالب آن که، ژاپنی‌ها هم هر اتفاق ناخوشایندی را به دیو نسبت می‌دادند؛ به عبارت دیگر دیوان عامل تهدید جامعه بشری بوده‌اند. دیو سرما، دیو آذ، دیو خشکسالی، دیو خشم، دیو کاهلی، دیو توفان، دیو مستی، دیو گرسنگی، دیو نازیایی و غیره بیماری‌های مسری را در ژاپن باستان، بیماری دیو آفریده می‌گفتند (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۲۴-۲۵). هم چنین، محل اخفای این موجودات معمولاً خارج از محدوده زندگی انسان است. در ایران محل فریب دیوان و غولان را بیابان می‌دانستند. از طرفی بیابان به اعتقاد مردم کهن، صرفاً محلی نبود که بی آب و علف و غیر قابل کشت باشد، بلکه آنجا زمین نفرین شده بود که محل ظاهر شدن موجودات پلید است (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۲۲).

دیو در متن روایت‌های ادبیات فارسی

شاهنامه فردوسی از کهن‌ترین متون ادبی است که در آن از دیوهای

بسیاری سخن به میان آمده است. اصولاً دیوهای شاهنامه و دیگر آثار حماسی فارسی سیاه بوده‌اند. صفت نره در ترکیب «نَرَه دیو» نیز در شاهنامه و در سام‌نامه برای دیوها به کار برده شده است. در شاهنامه، دیوها جادوگری و افسون می‌دانند. در شاهنامه، هیئت و شکل دیوان به ندرت وصف شده اما درباره دیو سپید آمده است که بدنش مانند کوه، رنگش سیاه و موی سرش مانند برف سپید بوده است. اکوان دیو، از دیگر دیوان مشهور شاهنامه، به شکل گورخری ظاهر می‌شود که مانند خورشید طلایی‌رنگ است و خطی مشکین بر یال دارد. نام دیگر اکوان دیو، آلابرننگی بوده است.

به تاریکی اندر یکی کوه دید سراسر شده غار از و ناپدید

به رنگ شبه روی و چون شیرموی جهان بر ز پهنای و بالای اوی

(شاهنامه فردوسی، ج. ۱، ۲۶۹)

آنچه از دیوان مازندران در کوش‌نامه، منظومه‌ای از قرن ششم، ذکر شده است، نشان می‌دهد که سنج‌دشاه، شاه مازندران بوده است و دیوان مردمانی قوی و تنومند و سیاه پوست بوده‌اند. در منابع کهن، از جمله شاهنامه، دیوان از نظر ظاهر با آدمیان تفاوت چندانی نداشته‌اند. در گرشاسب‌نامه، اندکی بیشتر از شاهنامه شمایل دیو وصف شده است:

پهنای منهراس دیوسه برابر آدمی و بلدی اش چهل ارش و تنش نیلگون است، با سنگی کوه را با زمین هموار می‌کند. هنگامی که می‌غرد، هوش و جان از شیر می‌برد. از نفسش ابر و از دندان‌ش برق و رعد پدید می‌آید. با جستی عقاب را از آسمان و نهنگ را از قعر دریا می‌گیرد و نهنگ را در برابر خورشید بریان می‌کند و می‌خورد. در غار زندگی می‌کند و اگر از دور کشتی ببیند مردم آن را می‌گیرد و می‌خورد. (افشاری و رضایی باغبیدی از قول: اسدی طوسی، ۱۳۹۲، ۲۷۳ و ۲۸۱-۲۸۲)

وصف دیو در سام‌نامه از این هم واضح تر بیان شده است:

نهانگال دیو، شاخ دارد و می‌خواهد شاخش را در بدن سام فرو کند. صورت ابرهای دیو مانند آدمی و بدنش مانند نَرَه دیو است و دو دندان پیشش مانند گراز و همه پیکرش مانند نیل سیاه است و به شکل ابر در می‌آید و معشوقه سام را می‌رباید. (افشاری و رضایی باغبیدی، ۱۳۹۲)

در امیرارسلان در وصف کشته شدن الهاک دیو آورده‌اند:

که پیکرش چون دو پارچه کوه بر زمین افتاد. در هفت لشکر، عرض و طول مکوکال دیو، نیم فرسنگ است و شاخ‌های بلند از سرش بیرون زده است. طول دیو سپید از فرق سر تا پاشنه پا ۲۵۰ ارش است، شاخ بر سر دارد، از سر تا پا مثل شیر سفید است و نقطه‌های رنگارنگ بر تن دارد.^{۱۵} (نقیب‌الممالک شیرازی، ۱۳۵۶، ۴۰۱)

یکی دیگر از اعمال دیوان، شکنجه دادن مردگان گناهکار در جهنم بوده است. بر اساس باورهای بودایی‌های ژاپن، دیوها در دوزخ انواع و اقسام شکنجه‌ها مانند: انداختن بدکاره‌ها به دیگ جوشان، خورد کردن استخوان‌های بدنشان به وسیله چرخ گاری، چرخ کردن گوشت بدنشان، کشیدن ناخن‌ها و غیره بر مردگان گناهکار اعمال می‌کنند. دیوان جهنم از طرف حضرت بُنما^{۱۶} قاضی برزخ که در مورد مردگان قضاوت کرده، حکم صادر می‌کند که چه کسی به بهشت می‌رود و چه کسی به دوزخ و یا مجازات گناهکاران به چه اندازه باشد، مأمور شده‌اند. در یکی از کتیبه‌های خشایار شاه در تخت جمشید، معروف به کتیبه دیو، خشایار شاه به سرزمینی اشاره دارد که بیشتر، دیوان در آنجا پرستیده می‌شدند و او

به جنسیت اصلی آن اشاره نشده است (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۱۵).
 جنیدی در کتابی با عنوان زندگی و مهاجرت آریائیان بر پایه‌ی
 گفتارهای ایرانی، دیوها را دشمنان نژاد آریایی می‌داند. نگارنده پس از
 مطالعه افسانه‌های گوناگون ایرانی و غیر ایرانی و در نظر گرفتن نظریه
 ایشان، به نتیجه زیر رسیده است: دیوان به طور عمده به سه دسته تقسیم
 می‌شوند؛ به عبارت دیگر پیشینیان ما سه امر را دیو خوانده‌اند: ۱. دیو
 یعنی بلایای طبیعی نظیر سرما و گرمای بیش از حد، طوفان و سیل...؛
 ۲. اخلاق نکوهیده و کارهای ناشایست مانند دروغ گفتن و داشتن آرزو
 حسد و طمع که از آدمیزاد سر می‌زند و ۳. موجودات دیگر عبارت‌اند از:
 موجوداتی که به آن دنیا تعلق دارند، مثل خدایان، فرشتگان؛ اقوام دیگر با
 مردم کشورهای دیگر؛ پیروان مذاهب و ادیان دیگر؛ مردمانی که به کارهای
 غیر متعارف اشتغال دارند (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۱۰۵-۱۱۳).

استنوا^{۱۶} در کتاب تصویر دیگری می‌نویسد:
 پدیده طرد بیگانه از این ناشی می‌شود که انسان‌ها تفاوت دیگران با خود
 را ناپهنجار تلقی می‌کنند و این پدیده هنگامی در ذهن جمعی به اوج
 خود می‌رسد که اسطوره‌هایی مبنی بر نژادهای غول‌سان شکل گرفته
 باشد. نژادهایی که معمولاً در جایی دیگر زندگی می‌کنند: آن سوی
 رودخانه یا دریاها، آن سوی بیابان‌ها، در آن سر دنیا شناخته شده؛ گرچه
 به سان موجودات کاملاً شناخته‌شده واقعی و عینی وصف شده‌اند. بیگانه‌ای
 که ظاهرش، مثلاً قد یا رنگ پوستش، رفتار اجتماعی، تغذیه و روابط
 جنسی آن، منابع فرهنگی، اختصاصاً از نظر زبان و مذهب یا تمام
 این موارد از گروه غالب بسیار متفاوت است. ممکن است که ویژگی‌های
 این گروه با عنوان غول‌ها در هم آمیخته شوند که چون تخیلی و موهوم
 هستند، بیشتر هراس‌انگیز جلوه می‌کنند. (دیپهم، ۱۳۸۳، ۱۸۷-۱۸۸)

نقش‌مایه دیو؛ ویژگی‌های ظاهری و کنش‌های آن در متن و نگاره‌های حکایت مکر زنان

حکایت مکر زنان، در جلد چهار نسخه اصلی حکایت شده است و دارای تصویر نیز هست؛ اما مشابه این داستان، در نسخه موجود، در جلد یک نیز آمده است. بخش‌هایی از این حکایت از روی متن نسخه اصلی بازنویسی شده است:

... تو مکر ایشان ببین و با آنچه با مردان می‌کنند نظر کن و گوش به سخنان
 این کنیز بی عقل مسپار و نیز ای ملک شنیده‌ام که یکی از اولاد ملوک
 به تنهایی به تفرج بیرون رفت به بحر غزالی خرم رسید آن مکان را بسی
 پسندیده یافته در آنجا نشست و خوردنی که با خود داشت بیرون آورده
 همی خورد که ناگهان یکی پسپاهی (سیاهی) پدید شد که سر با بر
 می‌سود. ملک زاده هراس کرده به درختی از درختان آن مکان فراز رفت
 و در آنجا پنهان شد چون سیاهی نزدیک آمد، عفریتی بود که صندوق
 آهنین بر سر داشت. عفریت صندوق بر زمین گذاشت، سر آن گشود
 و دختری آفتاب روی از صندوق بیرون آورد و سر در کنار او گذاشته
 بخشید. دختر قمر منظر سر عفریت بر می‌گرفت به روی صندوق نهاد
 خود برخاسته در مرغزار همی گشت که چشمش بالای درخت به ملک
 زاده افتاد و به فرمان داد تا از درخت به زیر بیایدو ملک زاده خواهش او
 نپذیرفت ماهر و سوگند خورد اگر پایین نیاید عفریت را بیدار می‌کنم و تو را
 به او نشان می‌دهم ملک زاده از بیم فرود آمد...

این نگاره (تصویر ۱) نیز بخشی از داستان را نمایش می‌دهد.

این دیوان فارسی باستان را نابود کرده و فرمانی مبنی بر نپرستیدن دیوها
 صادر کرده است (افشاری و رضایی باغبیدی، ۱۳۹۲).

بنابر باورهای زردتشتی، جایگاه اهریمن و دیوها در شمال بوده است.
 اهریمن و دیوان هر شب برای نابودی آفریدگان اهورایی از دوزخ هجوم
 می‌آورند، اما با برآمدن خورشید از ایزدان شکست خورده و به دوزخ باز
 می‌گردند (همانجا).

در جای دیگر از قصه‌های عامیانه آورده شده است که:

سلاح خاص دیوها، دار شمشاد (تنه درخت شمشاد) بوده است که گاه
 چند سنگ آسیاب هم بر آن تعبیه کرده‌اند (افشاری و مدائنی، ۱۴۰۱،
 ۱۷۳). در برخی دیگر، دیو مانند اژدها است. مثلاً در داراب نامه
 طرسوسی، دیو مانند ماری بال دار توصیف شده است که آتشی از دهانش
 مشتعل می‌شود که مطابق با ویژگی‌های اژدها است. یکی از بن‌مایه‌های
 قصه‌ها این است که اژدهایی دختری را اسیر می‌کند و جوانی بیگانه به
 سرزمین دختر می‌رود و اژدها را کشته و با دختر ازدواج می‌کند. (افشاری
 و رضایی باغبیدی، ۱۳۹۲)

بنا بر توصیفات که تا این به اینجا ذکر شد، دیوها موجوداتی با هیبت
 و درشت اندام، گاه دارای شاخ و یا دندان‌های تیز بوده هستند، گاه
 بدنشان تیره رنگ و کیود بوده، چشمان تیزبینی همچون عقاب داشته‌اند
 و زور بازویی وصف ناشدنی. بیشتر گفتیم که دیوها در آثار ملل گوناگون
 مشاهده شده‌اند. برای مثال در اساطیر چینی، فئی لاین خدای باد
 خوانده می‌شود. او با برانگیختن طوفان، جنوب را به ویرانی کشانده، از
 این رو، به صورت اژدهایی در می‌آید که دارای اندام گوزن است با سر یک
 پرند و دو شاخ و دم یک مار؛ گاه نیز به هیبت انسانی از مردم باستان با
 ریش سفید و کلاه سرخ و آبی و ردایی زرد فام تجسم می‌یابد. این خدای
 چینی با اکوان دیو ایرانی قابل قیاس است. شباهت این دو به قدری زیاد
 است که آشکارا نشان دهنده وامگیری مشترک دو روایتگر ایرانی چینی و
 یا ارتباط نزدیک میان این دو ملت بوده است (باقری و کیاده، ۱۳۸۸، ۶).
 میان متون ادبی از همه مشهورتر دیو سپید مازندران در شاهنامه
 است. فردوسی دیو سپید را به کوهی سیاه تشبیه می‌کند؛ یعنی بدنش
 سیاه است. اما موی سرش مانند سفید رنگ است. این تضاد معنایی برای
 بسیاری از پژوهشگران وجود دارد، که دلیل نام گذاری دیو سپید حالت طنز
 دارد و یا منظوری دیگر در کار است. یاحقی می‌نویسد: «به سبب سپید
 بودن مویش به این نام خوانده شده است، در حالی که دیوها معمولاً سیاه
 رنگ مجسم شده‌اند» (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۸).

لازم به ذکر است دیوها (غول‌ها) هم مانند انسان‌ها از دو جنس مذکر
 و مؤنث خلق می‌شوند. در افسانه‌های ایرانی اکثر این موجودات، مذکر
 بوده‌اند (همان، ۱۵). در افسانه‌های هندی، دیو یا غول مؤنث را یکهینی^{۱۷}
 می‌گویند و مذکرش را یکه^{۱۸}، این دو در افسانه‌ها به یک اندازه ظاهر
 شده‌اند (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۱۵؛ آموزگار، ۱۳۸۹، ۴۱).

نکته قابل توجه این است که در افسانه‌ها، برای توصیف شکل و شمایل
 دیو یا غول مذکر بر بلندی قد و بزرگی جثه و هیبت او تأکید می‌شود، که
 نشان دهنده قدرت و زور زیاد این موجودات است؛ اما وقتی از دیو یا غول
 ماده سخن به میان می‌رود بر زشتی چهره (رنگ زشت آن و چروکیدگی)
 تأکید می‌شود. از طرفی دیو توانایی تغییر شکل دارد؛ گاهی شکل مرد
 انسان و گاهی هم شکل زن انسان را می‌گیرد. از این رو در بعضی از قصه‌ها



تصویر ۲. نقش مایه «عفریت در تصویر عفریت خابیده [خوابیده] و دختر با شاهزاده به صحبت پردازد»، قاب سوم از تصویر (۱)، صنایع الملک، کتاب هزار و یک شب، صفحه ۱۲۷۸، موزه کتابخانه ملی. مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

دوره قاجار، بهره برده است.

چنان که در *سامنامه* تن ابرهای دیو مانند نیل سیاه است و در *درباب* نامه *طرسوسی*، اسکندر در سفر به زنگبار با دیوهایی روبه رو می شود که رئیس آن ها، مهکال زنگی است و در جایی اسکندر او را «ای ملعون سیاه» خطاب کرده است. نام آلابرزنگی برای اکوان دیو نیز به ارتباط دیو با زنگ، زنگبار و رنگ سیاه اشاره می کند (افشاری و رضایی باغبیدی، ۱۳۹۲، ۳۸-۴۲). در *شاهنامه*، هیئت و شکل دیوان به ندرت وصف شده است اما درباره دیو سپید آمده است: که بدنش مانند کوه است، رنگش سیاه و موی سرش مانند برف سفید است (همانجا).

در قصه های عامیانه، شکل و خصوصیات دیوان دقیق تر توصیف شده است؛ در *اسکندرنامه* دیوها در آب غوطه می خورند و در هوا پرواز می کنند (همان، ۳۷۸ و ۴۷۳؛ افشاری و مدائینی، ۱۴۰۱، ۶۷)؛ هنگامی که به هوا می روند تنوره می کشند (افشاری و مدائینی، ۱۴۰۱، ۶۸)؛ تنومند و کوه پیکرند (نقیب الممالک، ۱۳۵۶، ۴۰۷)

نقش مایه «دیو»؛ ویژگی های ظاهری و کنش های آن در متن و نگاره های حکایت *سیف الملوک و بدیع الجمال*

داستان *سیف الملوک و بدیع الجمال* در شش شب روایت شده است. صنایع الملک برای این روایت چهار تصویر که هر کدام دارای سه بخش هستند، تصویرگری کرده است. این حکایت با روایت پادشاهی به نام *عاصم بن صفوان* و وزیرش آغاز می شود که آتش و آفتاب را می پرستیدند و هر دو از نعمت داشتن فرزند بی نصیب بودند و برای همین امر به سوی سلیمان (ع) می روند. نگاره های زیر (تصویر ۳-۶) بخش هایی از این تصاویر را نشان می دهد که عفریت یا دسته ای از عفریت ها، گول ها، و یا اجنه در آن حضور دارند. در شب هفتصد و پنجاه و نهم این حکایت، شاهد تصویر زیر هستیم (تصویر ۳).

تصویر حکایت زمانی است که حضرت سلیمان لشگر خود را از جنیان و انسیان و پرندگان فرمود که در راه ایشان باستند و پرندگان بر سر آن ها سایه بیندازند. این حکایت ادامه می یابد تا زمانی که وزیر به نزد ملک عاصم باز می گردد و برای او نقل کند که حضرت به او فرموده است که هر دو به فراز فلان درخت بروند و در هنگام نماز از درخت به زیر آیند و به دو ازدها که در آن مکان هستند نظر افکند سر یکی چون بوزینه و سر دیگری چون سر عفریتان است آن دو را با تیر بزنند و... (تصویر ۴).

چون شب هفتصد و هفتاد و دو برآمد... گفت ای ملک جوان بخت، ساعد



تصویر ۱. تصویر حکایت «مکر زنان»، صنایع الملک، کتاب هزار و یک شب، صفحه ۱۲۷۸، محل نگهداری: موزه کتابخانه ملی. مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

روایت دیگر حکایت *مکر زنان*، قابلیت تغییر شکل، آدم خواری و فریبکاری، را در حکایت *مکر زنان* نسخه ترجمه شده هزار و یک شب نشان می دهد. در این حکایت نیز پسر پادشاه به دختری زیبا روی برخورد می کند و دختر با گفتن روایتی پسر را فریب می دهد و با او هم سفر می شود پس از ساعتی تبدیل به عفریتی با منظر قبیح می شود؛ پسر از خدا یاری می خواهد، عفریت در حال به زمین افتاده و خاکستر می شود (طسوجی، ۱۳۸۷، ج. ۴، ۱۶۰۰-۱۶۰۱). در ادامه این روایت، پسر پادشاه با پسر ملک جنیان دیدار می کند و برای رساندن پسر به قصر پدرش، به غلامی به نام *راجز* دستور می دهد غلام تبدیل به عفریت می شود و پسر را بر دوش گرفته به هوا پریده و به مقصد می رساند (همان، ۱۶۰۹).

آنگونه که در تصویر مشاهده می شود، عفریت، این موجود فراواقعی، با اندازه های نامتعارف که حاکی از اهمیت و بزرگی او نسبت به موجودات طبیعی است، سمت چپ تصویر عفریت خابیده (خوابیده) و دختر با شاهزاده به صحبت پردازد خوابیده است (تصویر ۲). دندان های بزرگ بیرون زده از دهان، ناخن های بسیار بلند سُم ها، رنگ تیره بدن، شاخ و بال از ویژگی های ظاهری آن در این تصویر است. در این تصویر، مطابق متن روایت دختر در حال صحبت کردن با شاهزاده است. هم چنان که نقاش برای تصویرگری لباس افراد، از عناصر فرهنگ ایرانی هم زمان با خلق اثر،

پاراگراف اول) نیز بر پا بوده است و در میان دو طایفه جنیان جنگی بر سر سیف الملوک و باز ستاندنش از ملک ازرق صورت می‌گیرد که با پا در میانی ملک شهیال این دو باهم قول نامه صلح می‌بندند (تصویر ۶).

پرتکرارترین اعمال دیوان

خوردن خون و گوشت ربوده شدگان، پرش‌های بلند، فرو رفتن در زمین، امکان تغییر شکل و... که در بسیاری از افسانه‌ها نقل شده است. چیزی که در این روایت سیف الملوک و بدیع الجمال شاهدش بودیم، جزء پرتکرارترین ویژگی‌های دیو در این حکایت‌ها است. این ویژگی‌ها از این قرارند: ربوده شدن دختر زیبا روی به قصد همبستری یا به همسری در آمدن با دیو، مخفی کردن دخترک از دید همگان، دل بستگی شدید دیو به انسان. نکته قابل توجه در این روایات، تودرتو بودن و دنباله دار بودن برخی از آن‌ها است به طوری که برخی از آن‌ها چندین شب به طول می‌انجامند. آنچه در برخی از دیگر داستان‌های این کتاب شاهدش هستیم، شامل دیوهایی است که فرزند یا فرزندان دارند. شرح اعمال پرتکرار دیوان در (جدول ۱)، با در نظر گرفتن زمینه هر روایت آمده است.

تغییر شکل دیوان به شخصیت‌های انسانی

در افسانه‌های ایرانی، دیو یا غول از همه بیشتر به شمایل: گدا، رهگذر، درویش و زنی زیبا در می‌آید و مردم را فریب می‌دهد. وجه مشترک گدا، رهگذر، درویش، غریبه بودن، یا به عبارت دیگر عضو اجتماع نبودن آن‌ها است. در افسانه‌های ایرانی، جادوگران و شیطان از نظر اعمال مانند دیو عمل می‌کنند. یعنی آدم‌ها را گول می‌زنند، طلسم و افسون می‌کنند... بعضی افسانه‌های ایرانی داستان مشترکی دارند؛ فقط موجود پلید در



تصویر ۵. نقش‌مایه «غول در تصویر ساعد شمشیر کشیده و می‌خواهد غول را بکشد»، قاب اول از نگاره روایت شب ۷۷۳، صنایع الملک، کتاب هزار و یک شب، صفحه ۱۶۷۲، موزه کتابخانه ملی. مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)



تصویر ۶- نقش‌مایه «غول در تصویر ملک ازرق با لشکر ملک شهیال جنگ می‌کند و ملک ازرق دست‌گیر می‌شود»، قاب دوم از نگاره روایت شب ۷۷۷، صنایع الملک، کتاب هزار و یک شب، صفحه ۱۶۸۴، موزه کتابخانه ملی. مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)



تصویر ۳. نقش‌مایه «جنیان در تصویر جنیان و خدم و حشم حضرت سلیمان در راه ایستاده و مرغان بر سر ایشان سایه انداخته»، قاب سوم از نگاره روایت شب ۷۵۹، صنایع الملک، کتاب هزار و یک شب، صفحه ۱۶۳۸، موزه کتابخانه ملی. مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)



تصویر ۴. نقش‌مایه «اجنه در تصویر ملک عاصم و وزیرش فارس تیروکمان به دست گرفته و به اجنه‌ها می‌زند»، قاب سوم از نگاره روایت شب ۷۶۰، صنایع الملک، کتاب هزار و یک شب، صفحه ۱۶۴۰، موزه کتابخانه ملی. مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

گفت: من با یاران خود آتش برهیزم برزدیم... به میوه خوردن مشغول بودیم که ناگاه شخصی پدید شد که گوش‌های پهن و دراز و چشمان درخشنده‌تر از مشعل فروزان داشت و گوسپندی بسیار چرانیید... گفتند شما کیستید؟ گفتیم: میهمانان هستیم. گفتند: چگونه در دست این پلید گرفتار شدید؟ که این غولست و آدمیان را همی خورد. ما را نابینا کرد و همی خواهد که ما را بخورد. ما بایشان گفتیم: این پلید چگونه شما را نابینا کرد؟... گفتیم با آن پلید چه باید کرد؟ یکی از ایشان گفت برخیز و باین طاق فراز شو در آنجا شمشیری هست آنرا برداشته این پلید را بکش. من برخاسته سوی طاق بالا رفتم و شمشیر گرفته و سوی او روان شدم و با شمشیر دو نیمه‌اش کردم بانگ بر من زد و گفت اکنون که مرا کشتی ضربت دیگر بزن من خواستم که شمشیری دیگری بزنم. مردی که من را به شمشیر دلالت کرده بود گفت من که از ضربت دیگر زنده شوم و ما را هلاک می‌کند... (طسوجی، ۱۳۸۷، ج. ۴، ۴۶۰-۴۶۲) (تصویر ۵)

روایات زیادی در هزار و یک شب به پیوند میان جنیان و انسیان اشاره دارد؛ در ادامه روایت سیف الملوک نیز مورد مشابهی از این پیوند داریم. روایت شده است که سیف الملوک در باغ ملک شهیال به تفرج بوده است که ناگاه توسط افراد ملک ازرق ربوده می‌شود و بدیع الجمال برای شکایت از این امر به نزد پدر خود می‌رود. در ادامه، ماجرای درگیری میان طایفه‌های جنیان را روایت می‌کند چرا که علاوه بر نشدنی بودن این پیوند، دشمنی میان سیف الملوک و ملک ازرق بخاطر کشتن پسرش (روایت صفحه ۵۶

بعضی‌ها دیو و در بعضی دیگر شیطان ذکر شده است. پس می‌توان گفت دیو یعنی جادوگر، یعنی آدم‌های غریبه و خارج از اجتماع (تاوارانانی، ۱۳۹۳، ۱۲۸). در نمونه‌هایی از حکایت بانو و دوسگش و حکایت جانشاه و شمسه دیوها به شمایل انسان درآمده‌اند.

در فصل ۲۷ بندهشن، شرح وظایف اهریمن و دیوان آمده است. در این فصل فهرستی از دیوان نر و ماده آمده است و وظایف هر یک بیان شده است. برخی از مهم ترین دیوان در این فهرست عبارت‌اند از: آژ؛ آپوش و همکارش سپینجروش که از دیوان خشکسالی هستند؛ ارشک دیو رشک، کینه و بدچشمی؛ آستویهد دیو مرگ؛ آگاش و سورچشمیه دیوان شورچشمی؛ بوت دیوی که در هند پرستیده می‌شود؛ بوشاسب دیو کاهلی؛ چشیمگ دیو پدیدآورنده گردباد و ... (آموزگار، ۱۳۸۹، ۳۸-۴۰)؛ هم‌چنین در متن فارسی زادسپرم نیز به کارکردهای دیوان اشاره شده است: اهریمن، دیو آژ را به عنوان سپهسالار خود برگزید و چهار دیو خشم؛ زرمان (دیو پیری)، زمستان، و سیجرا، سپاهبدان و همکاران او قرار داده است (فصل ۳۴، بند ۳۲؛ آموزگار، ۱۳۸۹، ۳۸-۴۱؛ راشد مصل، ۱۳۸۵، ۷-۲۰). هم‌چنان که در این نمونه‌ها به وظایف این دیوها در متن روایات ایران باستان اشاره شده است، در متن روایت‌های هزار یک و شب نیز دیوان کارکردهای گوناگون، زمینی، ماورایی و مثبت و منفی دارند. نگارندگان پژوهش حاضر در طبقه‌بندی ارائه شده در جدول (۱)، پرتکرارترین این وظایف گردآوری و ارائه کرده است. آموزگار (۱۳۸۹، ۴۲) ضمن اشاره به اسامی دیوها، به این نکته اشاره می‌کند که هر یک از دیوان نمادی برای هر پدیده بد و صفت ناپسند هستند.

ناهماهنگی متن و تصویر

در بسیاری از نمونه‌های تصویری میان متن روایت از نظر ویژگی‌های ظاهری و کنش‌های برشمرده برای این موجودات و روایت داستانی تطابق وجود ندارد. این ناهماهنگی‌ها با توجه به خلاصه ویژگی‌ها در (جدول ۱) در چند دسته بیان می‌شود:

• **عدم واقع‌نمایی اندازه‌ها و ویژگی‌های ظاهری:** نکته قابل توجه در برخی تصاویر، تفاوت استدلال در زبان کلامی و تصویری است. برای مثال در داستان‌ها با توصیفاتی از قبیل بزرگی سر و ساییده شدن سر دیو به آسمان روبه‌رو هستیم ولی در تصویر مشاهده می‌کنیم که سر دیو بسیار کوچک است و حتی می‌توان گفت سر به اندازه سر انسان‌های موجود در آن تصویر کشیده شده است و هم‌چنین جثه دیو به‌طور تقریبی با اسب‌ها برابر است. هم‌چنین در متن توصیفاتی درباره‌ی دم اژدها مانند و یا بال برای دیو آورده نشده است ولی این ویژگی‌ها را در تصویر برای نمایش مبالغه‌آمیز دیو آورده شده است.

• **تفاوت‌های فرهنگی مشهود میان متن و تصویر:** تفاوت سبک و شیوه تصویرسازی در مقایسه با متن روایتی هزار و یک شب به خوبی مشهود است. سبک و شیوه مصورسازی هزار و یک شب با انتخاب خاص صنایع‌الملک در زمان و فرهنگ و زبان متفاوتی نسبت به زمان و فرهنگ و زبان روایتی داستان‌هاست: زمان داستان‌های متن هزار و یک شب غالباً دوره خلافت خلفای عباسی است و مکان داستان بصره و دیگر سرزمین‌های عربی است؛ در حالی که پوشاک افراد، معماری فضاها و بعضی از شخصیت‌ها در نگاره‌های هزار و یک شب، متعلق به تهران عصر قاجار است.

• **تفاوت ظاهری و فضاسازی توسط هنرمند:** از تفاوت‌هایی که بین متن و تصویر به چشم می‌خورد می‌توان به تفاوت میان مکان و توصیفات نویسنده با فضایی که تصویرگر برای آن ایجاد کرده است در روایت سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال نام برد. در یکی از شب‌های این روایت، سیف‌الملوک در جزیره‌ای می‌شود و در آنجا با فردی روبرو می‌گردد که چهره‌ای عجیب داشته و چشمانی درخشان و لباس چوپانی به تن داشته است. این روایت به درازا می‌کشد و در ادامه به غاری اشاره می‌شود که سیف‌الملوک و همراهانش در آن زندانی می‌شوند؛ اما چیزی که ما در تصویر این حکایت شاهد هستیم، تصویرگری مکانی است آجرچینی شده و در گوشه سمت چپ شاهد دو فرد هستیم که به نظاره این اتفاق ایستاده‌اند در صورتی که نویسنده به‌طور آشکار توضیح داده است که افراد موجود در آن غار توسط دیوانا شده‌اند. از دیگر تفاوت خاص بین متن و تصویر، می‌توان به شاخ و دم و لباس‌های این دیو اشاره کرد.

نتیجه




با توجه به مطالعات انجام‌شده در بررسی وجوه نمادین دیوها در هزار و یک شب می‌توان گفت، دیوها، غول‌ها، عفريت‌ها، اجنه و پریان همه از یک مجموعه به شمار می‌آیند و جایگاه این موجودات بنا بر شرایط و اتفاقاتی که در طی داستان‌ها روایت می‌شود، قابل تغییر است. در اکثر روایات هزار و یک شب اجنه بالاترین مرتبه را در بین این موجودات دارند، در مرتبه دوم پریان که همواره دختران یا همسران این موجودات به شمار می‌آیند و در نهایت دیوها و غول‌ها و عفريت‌ها قرار می‌گیرند که از اجنه دستور می‌گیرند. در بیشتر روایت‌های کلامی و تصویرسازی‌های وابسته به آن‌ها دیوها به‌صورت گروهی زندگی می‌کنند و فقط در نمونه‌های انگشت‌شماری به دیو تنها اشاره شده است. بنابر روایات در دست، می‌توان خصوصیات مشترک برای اکثر دیوها در نظر گرفت. این ویژگی‌های ظاهری شامل: جثه بسیار بزرگ (قد بلند، بدن ورزیده و نیروی مافوق طبیعی)؛ دندان‌هایی همانند دندان فیل و از فک بیرون زده؛ چشمانی درشت و درخشان؛ پوست تیره؛ ظاهر زشت است.








بر اساس تحلیل نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت دیوها خوب یا بد مطلق نیستند و رفتار آن‌ها بنابر واکنش افرادی که با آن‌ها روبرو می‌شوند قابل تغییر است. و جالب آن که هیچ‌یک از شواهد موجود بر ویژگی‌های کاملاً منفی این موجودات دلالت نمی‌کند. خصوصیات توصیف‌شده دیوها، همان خصوصیات است که در بین انسان‌ها زشت و ناپسند شمرده می‌شود. خصوصیات از قبیل: تنبلی، خواب‌آلودگی، خونخواهی، زیاده‌خواهی، گدایی، کارکشیدن و سوء استفاده از دیگران و غیره.

بنابر بررسی روایت‌های هزار و یک شب درمی‌یابیم این موجودات در اکثر مواقع انسان را شکار و از گوشت تنش تغذیه می‌کنند. نکته قابل توجه در این باره این است که آن‌ها گوشت را به‌صورت پخته و یا کباب شده می‌خورند. از دیگر خصوصیات دیوها می‌توان به قدرت تکلم به زبان‌های مختلف آن‌ها اشاره کرد. در پاره‌ای از داستان‌ها شاهد برخورد شهاب سنگ با دیوها و سپس تبدیل شدن آن‌ها به خاکستر هستیم؛ اما شایان ذکر است که این اتفاق برای هیچ‌کدام از دیوهایی که به دین دار و یا مسلمان بودن آن‌ها در روایات اشاره شده است نمی‌افتد. از دیگر خصوصیات این موجود می‌توان به قابلیت پرواز کردن و یا در زمین فرو رفتن اشاره کرد.

در این پژوهش کوشیده شد ضمن مرور تاریخچه کتاب هزار و یک

جدول ۱. دسته بندی ویژگی‌های ظاهری و کارکرد دیوها در تصاویر و متن هزار و یک شب.

تصاویر در نگاره‌ها	ویژگی‌های مفهومی (کارکردها)			ویژگی‌های ظاهری (در متن)				ویژگی‌های ظاهری در تصویر					داستان‌ها	رتبه				
	آدم خواری	دین داری	کارهای فرانسایی	دلبستگی	آدم ربایی	شکارچی	جنگاوری	چشم بزرگ	دندان بلند	قد بلند	دندان بزرگ	قد بلند			شبهات به آژدها	شاخ	دم	بال
			✓			✓											شهریار و برادرش شاه‌زنان	۱
		✓				✓											بازرگان و عفریت	۲
	✓			✓													پیر مرد و دو سگش	۳
			✓														حکایت صیاد	۴
	✓																وزیر و پسر پادشاه	۵
	✓																مکر زنان	۶
		✓															حمال با دختران	۷
		✓															بلو و دو سگش	۸
			✓														نورالدین و شمشه	۹
																	مکر زنان	۱۰
	✓																جان‌شاه و شمشه	۱۱
																	جان‌شاه و شمشه شب ۴۹۹	۱۲
			✓														حکایت جان‌شاه و شمشه شب ۵۰۱	۱۳
			✓														جوهر	۱۴

ردیف	داستان‌ها	ویژگی‌های ظاهری در تصویر							ویژگی‌های ظاهری (در متن)							ویژگی‌های مفهومی (کارکردها)						تصاویر در نگاره‌ها		
		بال	دم	شاخ	شبهات به اژدها	قد بلند	دندان بزرگ	قد بلند	دندان بلند	چشم بزرگ	ظاهر عجیب	شمایل انسانی	قدرت خارق‌العاده	چشم بزرگ	جنگاوری	شکارچی	آدم ربایی	دلبستگی	فرانسائی کارهای	دین داری	آدم خواری			
۱۵	عجیب و غریب							✓					✓		✓		✓		✓					
۱۶	سیف الملوک و بدیع الجمال		✓	✓		✓				✓		✓			✓									
۱۷	سیف الملوک و بدیع الجمال ۷۶۰ شب	✓	✓	✓	✓	✓				✓		✓	✓		✓					✓				
۱۸	سیف الملوک و بدیع الجمال ۷۶۱ شب							✓			✓	✓	✓		✓					✓				
۱۹	سیف الملوک و بدیع الجمال ۷۶۵ شب										✓	✓	✓		✓		✓			✓				
۲۰	سیف الملوک و بدیع الجمال ۷۷۲ شب		✓	✓		✓					✓	✓	✓		✓					✓				
۲۱	سیف الملوک و بدیع الجمال ۷۷۸ شب		✓	✓		✓					✓	✓	✓		✓					✓				
۲۲	حسن بصری و نورالسماء	✓	✓	✓	✓	✓																✓		

کلامی و نگاره‌های بصری نسخه مصور فارسی پرداخته و نتایج قابل تعمیم را در بر اساس متن روایت‌های هزار و یک شب و تصاویر طبقه‌بندی شود.

تاواراتانی، ناهوکو (۱۳۹۳). *دیو/افسانه تا واقعیت*. تهران: انتشارات بهجت. حسینی سروری، نجمه؛ صرفی، محمدرضا (۱۳۸۹). بررسی وجوه روایتی در روایت‌های هزار و یک شب. *نشریه ادب و زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی باهنر کرمان*، ۱ (۲۷)، ۱-۲۸. <https://ensani.ir/fa/article/277195>

خلیلی، مریم (۱۳۸۸). تحلیل تابلوی سفیران اثر هولباین بر اساس نظریه پانوفسکی. *فصلنامه تخصصی نقش‌مایه*، ۲ (۳)، ۱۰۷-۱۰۹.

<https://www.sid.ir/paper/184018/fa>
دلاکروا، فرانسوا پتیس (۱۷۱۰). *هزار و یک روز قصه‌های ایرانی*، ترجمه‌ی محمدحسن میرزا کمال‌الدوله و محمدکریم‌خان سرتیپ (۱۸۶۹). تصحیح و مقدمه رضا طاهری (۱۳۹۷). تهران: نشر نخستین
دیهیم، گیتی (۱۳۸۳). *تصویر دیگری (تفاوت از اسطوره تا داور)*. کاترینا استنو (۱۹۹۸). تهران: مطالعات فرهنگی.

ذبیحی، مریم؛ سلیم‌زاده، محمدجعفر و فرخ‌فرزانه (۱۳۹۹). تحلیل تطبیقی شخصیت‌پردازی موجودات تخیلی-تلفیقی در نگاره‌های نسخ عجایب‌المخلوقات قزوینی مکتب ایلخانی و مکتب گورکانی. *فصلنامه نگره*، ۵۵، ۳۵-۴۷. doi: 10.22070/negareh.2020.3020

ذکاء، یحیی (۱۳۴۲ الف). میرزا ابوالحسن خان صنایع الملک غفاری مؤسس هنرستان نقاشی در ایران ۲. هنر و مردم، ۱۱، ۱۶-۳۴. <https://ensani.ir/fa/article/66501>

ذکاء، یحیی (۱۳۴۲ ب). میرزا ابوالحسن خان صنایع الملک غفاری مؤسس هنرستان نقاشی در ایران ۱. هنر و مردم، ۱۰، ۱۴-۲۷. <https://ensani.ir/fa/article/66501>

ذکاء، یحیی (۱۳۸۲). *زندگی و آثار صنایع الملک*. ویرایش و تدوین سیروس پرهام. تهران: سازمان میراث فرهنگی و مرکز نشر دانشگاهی.
راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۵). *زادسیرم، وزیدگی‌های زادسیرم*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

راشدی محصل، محمدرضا؛ حسین‌زاده هروی، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی پیرنگ، شخصیت‌پردازی، توصیف، زاویه دید و تصویرپردازی در داستان نبردستم با دیو سپید. *متن‌شناسی ادب فارسی*، ۲ (۱۸)، ۱۲۱-۱۳۸.

https://rpil.ui.ac.ir/article_19361.html
زمردی، حمیرا و نظری، زهرا (۱۳۹۱). *خاستگاه و رد پای دیو و اهریمن در ادب کهن فارسی*. بوستان ادب، ۱ (۱۱)، ۷۳-۹۹.

doi: 10.22099/jba.2012.229

سیف‌الدینی، علیرضا (۱۳۸۴). *شیرویه نامدار*. تهران: انتشارات ققنوس. شاطری، میترا؛ اعراب، علی (۱۳۹۴). بررسی نگاره‌های مربوط به رستم و دیو سپید در نگارگری. *نگارینه هنر اسلامی*، ۲ (۵)، ۱۵-۲۷.

doi: 10.22077/nia.2015.484

شین دشتگل، هلنا (۱۳۸۴). *نسخه خطی و مصور هزار و یک شب*. کتاب ماه هنر، ۷۹ (۸۰-۱۳۳)، ۱۴۰-۱۳۳. <https://ensani.ir/fa/article/88293>

صرامی، عارفه (۱۳۹۳). تحلیل ساختاری دوگانگی نقش نمادین ماهی در هنر ایرانی-اسلامی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه هنر، اصفهان.
صرامی، عارفه و مختاریان، بهار (۱۳۹۷). *تأویل و تفسیر نگاره‌های ایرانی-اسلامی بر پایه نجوم*. تهران: نشر انسان شناسی.

طسوجی تبریزی، عبداللطیف (مترجم) (۱۳۸۷). *الف لیله و لیله فارسی*. هزار و یک شب، ۶ جلدی: مصور. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.

عظیمی‌پور، نسیم (۱۳۹۲). *دیو در شاهنامه همراه بررسی تطبیقی دیوها و شخصیت‌های منفی آیین مزدیسنا*. تهران: سخن
فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *شاهنامه*. تصحیح جلال خالقی مطلق دفتر ششم با همکاری محمود امیدسالار و دفتر هفتم با همکاری ابوالفضل خطیبی.

شب، به بررسی نتایج پژوهش‌های پیشین درباره ویژگی‌های ظاهری و کارکرد موجودات عجیب و غریب، به ویژه دیوها، در تصویرسازی‌های

پی‌نوشت‌ها

1. Erwin Panofsky.

۲. پری‌ها ماده دیوانی با ظاهر زیبا که غالباً به فریب‌دادن قهرمانان در دوران گیتی می‌پردازند (آموزگار، ۱۳۸۹، ۴۲).

۳. برای مطالعه بیشتر ن. ک.: طسوجی، عبداللطیف، *هزار و یک شب*. این کتاب توسط انتشارات نگاه در ۶ جلد به چاپ رسیده است.

4. Fei-lein.

5. Oado.

6. Axwan.

7. Xyonan.

8. Daeva.

9. Ashura.

10. (Azy-).

11. Apoaša.

12. Atav-siv.

13. Syasta-ub.

14. Nasav.

۱۵. قس. دیو سپید در شاهنامه، دفتر ۲۰، صفحه ۴۲.

16. Enema.

17. Yakkhini.

18. Yakha.

19. Katrina Stenou.

فهرست منابع

آزند، یعقوب (۱۳۸۳). *کتاب آرایه هزار و یک شب*. فصلنامه هنر، ۶۱ (۱)، ۶۲-۷۵. <https://ensani.ir/fa/article>

آموزگار، ژاله (۱۳۸۹). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: انتشارات سمت. ابراهیمی، معصومه (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی دیوها و موجودات مافوق طبیعی در *عجایب‌المخلوقات* قزوینی و *بحیره فزونی* استرآبادی. *ادبیات تطبیقی (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)*، ۳ (۶)، ۱-۲۹.

SID. <https://sid.ir/paper/167119/fa>
ابراهیمی، معصومه (۱۳۹۷). *دیوشناسی ایرانی*. تهران: فرهامه. افشاری، مهران؛ رضایی باغبیدی، حسین (۱۳۹۲). *دیو*. *دانشنامه جهان اسلام*، جلد ۱۸. <https://rch.ac.ir/article/Details?id=13401>

افشاری، مهران؛ مدائینی، مهدی (۱۴۰۱). *هفت لشکر (طومار جامع نقالان) از کیومرث تا بهمن*. تهران: انتشارات سخن. اکبری مفاخر، آرش (۱۳۸۹). *درآمدی بر اهریمن‌شناسی ایرانی*. تهران: انتشارات ترفند.

انجوی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۹). *فردوسی‌نامه*. چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی.

باقری، معصومه؛ کیاده، حسن (۱۳۸۸). *اکوان دیو و «وای» اسطوره باد*. *مطالعات ایرانی*، ۱۶، ۱۳۳-۱۴۰. <http://noo.rs/x۳۳Hl>

بامداد، مهدی (۱۳۴۷-۱۳۵۱). *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و ۱۴*. تهران: زوار.

برزگر، محمدرضا (۱۳۹۷). *دیو در شاهنامه*. *متن پژوهی ادبی*، ۵ (۱۳)، ۷۶-۱۰۰. doi: 10.22054/itr.2000.6638

بوذری، علی (۱۳۹۳ الف). *نسخه هزار و یک شب کتابخانه گلستان در فهرست شیخ‌المشایخ معزی*. گزارش میراث، ۲ (۱۲)، ۸۹-۹۴. <https://mirasmak-toob.com/fa/system/files/nashriat/GM-62-63-Boozari-Moezi-p89.pdf>

بوذری، علی (۱۳۹۳ ب). *نسخه خطی هزار و یک شب؛ نسخه‌شناسی و معرفی نگاره‌ها*. *نامه بهارستان*، ۲ (۳)، ۱۶۰-۲۷۵. https://www.codicolo-gy.ir/article_153608_e35d8d14031fbcbdbb7075d00dccc2ac.pdf
پیراوی ونک، مرضیه (۱۳۹۰). تحلیل معناشناختی واژه آیکون. *متافیزیک*، ۱۱ (۱)، ۴۹-۵۸. doi: 20.1001.1.20088086.1390.3.11.4.8.58

<https://ensani.ir/fa/article/303645>

Christian Bartholomae (1904). *Altiranisches Wörterbuch*. Strasbourg repr. Berlin 1961.

Hart, J. (1993). Erwin Panofsky and Karl Mannheim: a dialogue on interpretation. *Critical Inquiry*, 19(3), 534-566. doi: 10.1086/448685

Klingbeil, M. (1999). *Yahweh Fighting from Heaven: God as Warrior and as God of Heaven in the Hebrew Psalter and Ancient Near Eastern Iconography* (Vol. 169). Saint-Paul.

Mitchell, W. T. (2013). *Iconology: image, text, ideology*. University of Chicago Press.

Munsterberg, M. (2013). *Iconographic Analysis*.

Panofsky, E., & Drechsel, B. (1970). *Meaning in the visual arts* (p. 26) Harmondsworth: Penguin Books.

Panofsky, Erwin. (1972). *Studies in iconology: humanistic themes in the art of the Renaissance*. New York: Harper & Row.

تهران: نشر مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.

کریستین سن، آرتور (۱۸۱۳). کیانیان. ترجمه ذبیح الله صفا (۱۳۹۴). چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مختاریان، بهار؛ و صرامی، عارفه (۱۳۹۵). بازنمود زحل و باورهای مربوط به آن در نگاره‌ها. چیدمان، ۵ (۱۴)، ۵۴-۶۸.

<https://ensani.ir/fa/article/359192>

مونسی سرخه، مریم؛ حسین زاده قشلاقی، سارا (۱۳۹۸). تحلیل کیفی بصری دو پرده روایی عصر قاجار. جلوه هنر، ۱۱ (۱)، ۹۷-۱۰۹.

doi: 10.22051/jjh.2018.14335.1224

نقیب‌الممالک شیرازی، میرزا محمدعلی (۱۳۵۶). *امیرارسلان*. تصحیح محمدجعفر محبوب. تهران: کتاب‌های جیبی، چاپ دوم.

هادی، محمد (۱۳۶۵-۱۳۶۶). نخستین معلم نقاشی نوین ایران (مروری بر زندگی و آثار میرزا ابوالحسن غفاری صنایع‌الملک). فصلنامه هنر، ۱۳، ۱۰۲-

<https://ensani.ir/fa/article/116168>. ۱۲۷

یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۹۰). مجمع‌الصنایع (تجربه نوگرایی در مشاغل کارگاه‌های سلطنتی دوره قاجار). *گنجینه اسناد*، ۳ (۲۱)، ۴۲-۶۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی